

بررسی مواضع بازاریان تبریز در قبال سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول با تکیه بر اسناد (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)

فریدون الهیاری^۱
مریم نجف پور^۲
الهه محجوب^۳

چکیده

سیاست‌ها و مصوبات اقتصادی مجالس دوره پهلوی اول برآیند بحران‌های اقتصادی ایران در عصر قاجار بود که فعالیت اصناف و تجار را به شدت تحت تأثیر قرار داده و این طیف را به سوی تقابل با حکومت مذکور سوق داده بود. اگر چه مصوبات مزبور در راستای حل معضلات حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی عصر، مطرح و اجرا می‌گردید اما به نسبت دامنه تأثیرات و فرآیند اجرا، می‌توانست به اعتراض و موضع‌گیری گروه‌هایی از اصناف و تجار بینجامد. اعتراضات و مقاومت‌های بازاریان در این دوره به دلیل نظارت شدید مراجع رسمی که خود حاصل گسترش ساختار بوروکراتیک حکومت پهلوی اول بود، نمود بیشتری یافته است. در این میان بررسی این موضوع که بازاریان تبریز چه موضعی را در مواجهه با سیاست‌های اقتصادی مطرح شده از سوی حکومت پهلوی اول برگزیده و این مواضع تا چه میزان بر روند اجرای قوانین اقتصادی در این منطقه تأثیرگذار بوده است، می‌تواند وجهی از نقش بازاریان تبریز را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در این دوره بازتابانند.

مواضع تجار تبریز در قبال قانون انحصار تجارت خارجی، قوانین ناظر بر تجارت خارجی، سیاست‌های تجاری حکومت مبنی بر ورود اجناس خارجی، قوانین گمرکی مصوب و مواضع اصناف در برابر مصوباتی چون انحصار توتون و تنباکو، انحصار روده، قانون الغای مالیات‌های صنفی و سرشماری و... از جمله رهیافت‌های بازاریان تبریز در مقابله با حکومت پهلوی اول به شمار می‌رود. پژوهش حاضر برآن است که با استناد بر اسناد و سایر منابع موجود، ضمن بررسی مواضع بازاریان تبریز در برابر طرح‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول، به بازتابی نوع رابطه حکومت و بازاریان در این دوره بپردازد.

کلید واژگان: بازاریان، تبریز، قوانین اقتصادی، مواضع، حکومت پهلوی اول.

۱- Email: f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

۲- Email: najafpour-m10@yahoo.com

۳- Email: e.mahjoub11@yahoo.com

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲- کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی (دانش آموخته دانشگاه اصفهان)

۳- کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی (دانش آموخته دانشگاه اصفهان)

Investigating the Tabriz Businessmen' stances on the First Pahlavi Government's Economical Policies Based on the Documents (1925 – 1941)

F. Allahyari¹

M. Najafpour²

E. Mahjoub³

Abstract

The Economical policies adopted and the decisions made by the assemblies of the first Pahlavi era were the results of the economical crises in Iran during the Qajar era, which in turn affected the activities of the traders and the merchants and consequently these two groups turned against the government. Although the ratifications were proposed and implemented to remove the obstacles on the way of carrying out the economical activities in that era, due to their range of influence and implementation process, they led to the protest and positioning of different groups of the merchants and businessmen. The businessmen' protests and resistances were increased in this era due to the extreme observations of the authorities which were the results of the bureaucratic structure of the first Pahlavi regime. Therefore, examining the stances adopted by the businessmen of Tabriz while confronting the economical policies proposed by the first Pahlavi government seems very crucial. Investigating the degree of the influence of such stances on the implementation of the economical laws in this area could display the role of the businessmen of Tabriz in the economical activities of this era. Tabriz merchants' stances against the monopoly of the foreign trade, the laws controlling the foreign trade, the government's trade policies regarding the entry of the foreign goods, the customs rules as well as the guilds' positions against the tobacco monopoly, the intestinal monopoly, the abolition of corporate tax law and the census were among the Tabriz businessmen' approaches to deal with the first Pahlavi regime. Relying on the available documents and resources, this study aimed to investigate the businessmen' positions against the economical plans of the first Pahlavi regime and portray the kind of the relationship existed between the government and the businessmen in this era.

Keywords: Businessmen, Tabriz, Economical Laws, Positions, First Pahlavi Government.

¹ - Associate professor of History, University of Isfahan
² - M.A. in History of Islamic Iran, University of Isfahan
³ - M.A. in History of Islamic Iran, University of Isfahan

Email: f.allahyari@ltr.ui.ac.ir
Email: najafpour-m10@yahoo.com
Email: e.mahjoub11@yahoo.com



۱- مقدمه

در جامعه شهری ایران، بازار به عنوان ستون و شالوده اقتصادی و اجتماعی همواره نقشی بسزا داشته که در کنار حاکمیت سیاسی و نهاد مذهبی اساس و ساختار اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌داده است. در این بین علی‌رغم رابطه مستحکمی که میان بازار و نهاد روحانیت وجود داشته، رابطه بازاریان و حکومت همواره رابطه‌ای محتاطانه و تردید آمیز بوده است. در حقیقت پایه‌های این رابطه بیشتر بر اساس نیاز بازار به برقراری امنیت در شهرها و حفاظت از راهها توسط حکومت بود. در این رابطه دو جانبه از سرمایه بازار برای به قدرت رسیدن و تثبیت حکومت‌ها و یا براندازی آن‌ها استفاده می‌شد. همچنین در مواقع بحرانی، تجار^۱ همیشه به کمک طلبیده شده و به عنوان منبع عمده مالی بخشی از نیازهای اقتصادی دربار و حکومت را تأمین می‌کردند (جباری، ۱۳۷۹: ۱۰۱-۹۶).

از قرار ظاهر حکومت و بازار همواره سیاستی موازی در جهت ایجاد منافع مشترک داشتند. روابط بازار و مذاکرات آن با حکومت از طریق نمایندگان انتخابی بازار- ملک التجار ها - که رابط بین مقامات و جامعه بازار به شمار می‌رفتند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۵۶) و رؤسای اتحادیه‌های اصناف که افراد مورد اعتماد بازار بودند و همچنین نمایندگان منتخب حکومت و داروغه‌ها (جباری، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۹۹) انجام می‌گرفت.

در دوران قاجار موقعیت تجار و بازرگانان ایرانی دچار نوسانات و تغییراتی قابل توجه گردید. ظاهراً ترس حکومت از خزانه خالی در مواقع بحرانی و بی‌ثباتی و نا امنی ناشی از وقایع سیاسی، مقامات حکومتی و بازار را بر آن می‌داشت که با رعایت مواضع یکدیگر در جهت دستیابی به منافع خویش گام بردارند. پیدایش تشکلات تجار در این برهه نشان از تلاش این طیف در حفظ منافع اقتصادی و صنفی آنان داشت. به عنوان نمونه تأسیس «مجلس وکلای تجار» (احمدزاده، ۱۳۹۰: ۳۲۲) و یا «هیئت اتحادیه تجار» (ترابی، ۱۳۸۴: ۳۷۸-۳۷۶) هریک بازتابی از نیاز تجار به مرجعی به منظور انسجام بخشی به فعالیت‌های

۱ - دریک دسته بندی طبقه تجار بر مبنای ثروت به سه گروه تقسیم می‌شدند: تجار بزرگ که به صادرات و واردات کالا می‌پرداختند و بیش‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری فعال بودند، تجار متوسط و کوچک طبقه‌ای بودند با سرمایه کمتر از طبقه اول تجارت عمده داخلی را برعهده داشتند و بنکدارها که رابطین بین تجار و خرده فروشان بازار بودند (ترابی، ۱۳۸۴: ۴۵).

حرفه‌ای آنان بود. چنان چه «هیئت اتحادیه تجار» در حوزه‌های مسائل داخلی تجار (همچون حل اختلافات تجار با یکدیگر، جلوگیری از توقیفات غیر قانونی دفاتر تجار و...) و در حوزه‌های خارجی (مواردی همچون دادن تأییدیه برای سفرهای تجاری برون مرزی، ارتباط با تجارتخانه‌های دیگر کشورها و...) فعالیت می‌کرد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۶: ۲۶؛ ترابی، ۱۳۸۴: ۳۸۶-۳۸۲).

روابط بازار و حکومت با چنین ساختاری تا تأسیس حکومت پهلوی اول و شکل‌گیری دولت مدرن در ایران ادامه یافت. با آغاز دوره پهلوی- که مقطع نوینی از دیدگاه توسعه و نوسازی در تاریخ ایران به شمار می‌رود- کشور با تغییرات گسترده‌ای در سطوح مختلف روبرو شد. اقدامات و اصلاحات رضاشاه در عرصه‌های صنعتی، تجاری، ارتباطات و ایجاد نهادهای نوین، طبقه تجار را که همواره نقش مهمی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در تمامی ادوار داشتند با تحولات جدیدی روبرو ساخت که خود منجر به گشایش در پیچه‌ای جدید در روابط بازار و حکومت شد. بازار تبریز نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز صنفی- تجاری ایران ناگزیر در تعامل نوینی با حاکمیت قرار گرفت. تجار و اصناف تبریز به دلیل قرار گرفتن در موقعیت تجاری و جغرافیایی ویژه- از جهت قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری ترانزیتی- متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی جدید حکومت، به هم سویی و یا مخالفت با قوانین و برنامه‌های مذکور مبادرت کردند. نمونه‌هایی از مکاتبات برجای مانده در مورد جبهه‌گیری‌های این طیف در قبال برخی برنامه‌های اقتصادی حکومت، گویای دیدگاه آنان پیرامون طرح‌ها و قوانین اقتصادی غالباً جدید است که بازار به سادگی پذیرای آن نبود. پژوهش حاضر بر آن است که با بررسی جنبه‌هایی از مواضع بازار تبریز در قبال سیاست‌های مذکور، منظری از روابط این طیف و حکومت پهلوی اول را عرضه دارد.

۲- مواضع تجار تبریز در برابر سیاست‌های تجارت خارجی حکومت پهلوی اول

روابط ناعادلانه تجارت خارجی همواره یکی از معضلات تجار ایران در دوره معاصر بویژه

در عصر قاجار بود. این روابط از سویی ناشی از سوءسیاست و ناکارآمدی حکومت قاجار و از سویی نتیجه فشارهای اقتصادی کشورهایی چون روسیه بود.

فشارهای روسیه - و پس از وقوع انقلاب، اتحاد جماهیر شوروی - که از مهم‌ترین طرف‌های تجار ایرانی بود بارها خاصه در اواخر دوره قاجار موجبات اعتراض و واکنش تجار را فراهم ساخته بود (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). چنین فشارهایی به اندازه‌ای فعالیت تجار کشور را به مخاطره افکنده بود که منجر به پیدایش نهضتی به نام «نهضت اقتصاد» در ایالات مهم کشور شد. در این بین تجار تبریز نیز از جمله تجاری بودند که همسو با همتایان خود در سایر ایالات و در لوای نهضت مذکور با ارسال تلگراف و مکاتبات با سران حکومت به مقابله با سیاست‌های نابرابر تجاری پرداختند (ترابی، ۱۳۸۴: ۳۹۶-۴۰۰). از آن جایی که تداوم این شرایط در دوره پهلوی اول نیز می‌توانست موقعیت تجار و اصناف ایران را به خطر اندازد، تجار با دقت نظر بر طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت تازه تأسیس چشم دوخته بودند. بررسی نمونه مکاتبات بازمانده از صاحبان صنایع و تجار تبریز با قانونگذاران و نمایندگان مجلس شورای ملی حاکی از آن است که تهدید فعالیت‌های این طیف توسط رقبای خارجی همچنان ذهن بازاریان و سرمایه داران این حوزه را مغشوش و به خود مشغول کرده بود. بالطبع سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول در عرصه تجارت خارجی می‌توانست فعالیت طیف مذکور را در روابط تجاری با سایر دول تحت الشعاع قرار دهد. لذا نگرش حکومت پهلوی به تجارت خارجی از دید تجار و سرمایه داران تبریز از اهمیت شایانی برخوردار بود. محتوای تعداد بسیاری از اعتراض نامه‌ها و درخواست‌های تجار و صاحبان حرف تبریز در این دوره مبین تهدید فعالیت اقتصادی آنان از سوی شرکت‌ها و رقبای خارجی است که خود مؤید دقت نظر آنان در شناسایی عوامل تهدید کننده فعالیت اقتصادی و تلاش این طیف در راستای تضعیف و کاهش میدان عمل رقبا با التجا به قوانین مدون و رسمی کشور است. در این زمینه می‌توان به معضلات پیش روی کارخانه کبریت سازی تبریز اشاره نمود. این کارخانه که به نظر می‌رسد احداث آن در شرایط سخت اقتصادی آن زمان امری مهم تلقی می‌شده است، به دلیل رقابت منفی شرکت‌های خارجی درصدد استمداد از نمایندگان مجلس برآمد. هدف این کارخانه حفظ موجودیت خویش در برابر

رقبای خارجی و تداوم فعالیت خویش و درخواست سیاست‌گذاری‌های لازم جهت بهبود اوضاع، از سوی رجال بود. در نامه‌ای که نماینده وکلای اصناف تبریز «محمد صادق خرازی» به دارالشورای ملی در این رابطه ارسال کرده است آمده: «در نتیجه فشار روزافزون اقتصاد خارجی» علیرغم همه مشکلات و با تحمیل هزاران زحمت «بی پایان» «بالاخره در این دوره پریشانی و فلاکت یک قسمت از صدها احتیاجات مملکت را بر عهده گرفته و موجب امرار معاش چندین صد نفر اولاد ایرانی گردیده که هر گاه آن حضرات عالی توجه مخصوص برای برانداختن این اوضاع وخیم نفرمایند نزدیک است که از این کارخانه نام و نشانی باقی نماند» (کمام، ۳۵/۱/۱۶/۲۳/۶ ص ۲: ۱۳۰۵). در همین رابطه هیئت اتحادیه تجار و بازار تبریز نیز نامه‌ای خطاب به مجلس نوشته و در آن به مساعی خویش در تقابل با سیاست‌های رقابتی رقبای خارجی اشاره کرده‌اند. در این نامه که امضاء کنندگان آن تعدادی از کسبه و تجار تبریز بودند، آمده که از «روی احساسات وطنی» و با توجه به استطاعت مالی و «با کمال میل و رغبت» متعهد شده‌اند که هر کالایی در کشور تولید می‌شود نمونه خارجی آن را تحریم نموده و موجب ایجاد تغییر در وضعیت فلاکت بار اقتصاد کشور شوند. افراد مذکور در ادامه به فعالیت کارخانه کبریت‌سازی تبریز اشاره کرده و نوشته‌اند که رقابت خارجی به حدی این تجارت را تحت الشعاع خویش قرار داده که اگر از سوی رجال و دولتمردان به آن توجه نشود به نابودی کشیده خواهد شد. همچنین در تشریح وضعیت موجود آورده‌اند: «فعلاً تمام متاع خارجه را در ایران سه مقابل قیمت قبل از محاربه می‌فروشند مگر کبریت را برای نابود ساختن همین کارخانه بنصف قیمت سابق می‌فروشند بدیهی است هر بچه می‌داند که این رفتار برای محو ساختن یک کارخانه منحصر بفرد مملکت ماست که تا ایرانیان بعد از این اقدام بتأسیس کارخانجات نکرده و در نتیجه تمام مملکت زیر اسارت خارجی مانده و تمام دارائی خود را پیشکش نموده و... دست تساهل بعطوفت آنان باز کند» (کمام، ۳۵/۱/۱۶/۲۳/۶ ص ۱۴: ۱۳۰۵).

به نظر می‌رسد علیرغم وضعیت نابسامان اقتصادی در کشور تعدادی از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع همچنان به امید بهبود اوضاع از سویی سرمایه‌های خویش را در مواردی همچون تأسیس کاخانجات مصروف کرده و از سویی با نامه نگاری‌های مستمر و پیاپی با

دولت - که غالباً با ارائه پیشنهادات کارآمد همراه بود - سعی در حل بحران موجود داشتند. از سوی دیگر هیئت اتحادیه تجار نیز با هم گامی و هم سویی با صاحبان صنایع سعی در حل معضل پیش رو داشت تا آنجا که اعضای آن متفق القول از خرید نمونه خارجی تولیدات داخلی پرهیز می‌کردند.

صاحبان کارخانه مذکور به منظور ابقاء و مقاومت در برابر رقبای خارجی طی نامه‌هایی، درخواست‌های خود را در موارد ذیل دسته بندی و به حکومت مرکزی اعلام داشتند:

۱- سد رقابت خارجی بطریقی که دولت مقتضی بداند.

۲- تمدید مدت امتیاز «کمام، ۳۵/۱۶/۱ ۶/۲۳/۶، ص ۷: ۱۳۰۵»

۳- معافیت مواد خام کارخانه از پرداخت کرایه بار،

۴- معافیت از پرداختن مالیات و عوارض تا پایان مدت امتیاز و.. (همان)

به نظر می‌رسد متولیان امور تا حد امکان تمایل به رفع معضلات پیش روی صاحبان صنایع داشته‌اند. این اندیشه از بطن مذاکرات به عمل آمده در رابطه با درخواست‌های صاحبان کارخانه کبریت سازی تبریز بر می‌آید.

وزارت فلاح در گزارشی به مجلس در ارتباط با خواسته‌های فوق اذعان داشته است: «انجام لایحه دوم و چهارم لازمه تصویب لایحه مخصوصی است که به شماره... تقدیم شده است» (همان) و همچنین در جهت تخفیفات درخواست شده پیرامون مواردی چون پرداخت کرایه بار نیز دستورات لازم از سوی وزارت مذکور صادر شده بود (کمام، ۳۵/۱۶/۱ ۶/۲۳/۶، ص ۸: ۱۳۰۵).

در این زمینه درخواست اولیه این افراد دال بر «سد رقابت خارجی» نشان از آن دارد که تهدید تجارت و فعالیت‌های اقتصادی بازاریان از سوی رقبای خارجی معضلی فراگیر بوده و فعالیت اقتصادی آنان را به شدت در بند کشیده بوده است. شاید تلاش دولت در تصویب لایحه‌ای به نام «اشیاء تجملی و غیر» رهیافت سیاستمداران در جهت حفظ موقعیت تجار کشور بوده باشد (کمام، ۳۵/۱۶/۱ ۶/۲۳/۶، ص ۸: ۱۳۰۵).

در نمونه دیگر «صنف کفشدوزان شهر تبریز» به سال ۱۳۰۶ش در نامه‌ای به تشریح وضعیت «رقت انگیز و اسف بار» این صنف و تهدید فعالیت آن از سوی تجار «ملل همجوار» پرداخته‌اند. این طیف با اشاره به اختصاص «سیصد باب دکان کفشدوزی در تبریز و [ایروان]» و امرار معاش پانزده هزار نفر از این شغل اذعان داشتند: «چندی است که علاوه بر کفش و پوتین‌های فرنگه اقسام [پاپوش] مردانه و زنانه بقدری ارزان و فراوان شده است که مردم بدون توجه بدوام و استحکام آنها فقط بارزانی و صورت ظاهر آنها گول خورده ابداً به صنعت وطن خود اعتنائی نمی‌کنند...». از محتوای درخواست نامه و صورت راه کارهای ارائه شده توسط این افراد که با هدف ممانعت از ورشکستگی، تنظیم شده بود برمی‌آید که قانونگذاران وقت در راستای رفع معضلات پیش روی این طیف تدبیری نیندیشیده بودند. این افراد در درخواست خود اظهار داشته‌اند که حکومت می‌تواند از طریق «وضع گمرک و مالیات و یا هر ترتیبی که مقتضی بداند...» مانع از سقوط صنعت و تجارت فوق در آذربایجان گردد (کمام، ۱۳۴۹/۶/۲۸/۶، ص ۴۹: ۱۳۰۶). در این مورد هم صاحبان اصناف، به دلیل عدم توجه حکومت به وضعیت حاکم، اقدام به ارائه تدابیری کردند تا راهکاری جهت رهایی از وضع موجود باشد.

جدای از این واضح است که تعاملات اقتصادی که خود متأثر از روابط سیاسی و قراردادهای منعقد شده بین ایران و دول و شرکت‌های خارجی بود می‌توانست منافع تجار ایران را تأمین کرده و یا به مخاطره افکند. در این بین تجار تبریز از زمره تجاری بودند که به شدت تحت تأثیر معاهدات تجاری مذکور قرار داشتند. بالطبع این طیف خواستار برقراری روابط اقتصادی منصفانه‌ای توسط حکومت پهلوی بودند که بتواند منافع شغلی و تجاری آنان را تضمین کند. به عنوان نمونه می‌توان به تهدید فعالیت تجاری تبریز توسط شرکت «بروپرس» و اعتراض تجار به عملکرد آن اشاره کرد. در درخواست تجار تبریز به مجلس شورای ملی آمده: سالهاست که نمایندگان تجار ایران «مال التجاره» را بطور مستقیم، خود به نماینده دولت شوروی در جلفا تحویل داده و ما به ازای آن را بدون کم و کاست به تبریز می‌آوردند اما از زمانی که اداره بروپرس در جلفا دایر شده صدور «مال التجاره‌ها» را در اختیار گرفته که موجب خساراتی چند شده است. تجار تبریز با اشاره به

خساراتی چون کم کردن وزن مواد خامی همچون پنبه، اخذ حق العمل غیر عادلانه و...، اظهار داشتند: «حال که امکان انعقاد معاهده‌های تجاری مهیاست شرایطی فراهم شود تا این بندگان کما فی السابق خود اموال خود را به روسیه انتقال داده و در مقابل وجه یا کالای دریافت شده را به ایران بیاوریم» (کمام، ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶، ص ۳۴: ۱۳۰۸). سپس جهت اطلاع نمایندگان مزایای این روش را که می‌توانست متضمن منافع تجاری ایران در روابط تجارت خارجی باشد، برشمرده‌اند: «اولاً- مالهای ایرانی را بدون فوت [دقیقه] تحویل داده و بدین جهت از دادن حق الارض بدولت شوروی معاف می‌داریم در صورتیکه بروپرس چند روز اموال را بی‌جهت نگهداشته و گمرک شوروی حق الارض مشابهی دریافت می‌دارد».

«ثانیاً- در موقع تحویل در قوانین و غیره نظارت کامل نموده و از کسر درآمد و سایر عوارض محفوظ می‌داریم» (کمام، ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶، ص ۳۶: ۱۳۰۸).

پی گیری تجار در این زمینه منجر به آن شد که مجلس شورای ملی مقرر دارد موضوع در وزارت خارجه مورد بررسی قرار گرفته و بنا بر درخواست مطرح شده وزارت تجارت و فوائد عامه مذاکرات لازم را با «نماینده‌گی شوروی» به عمل آورد (کمام، ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶، ص ۳۸: ۱۳۰۸). گزارش‌های بعدی حاکی از تحقق تصمیمات اخذ شده در مجلس توسط مراجع مربوطه است (کمام، ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶، صص ۴۲-۳۹: ۱۳۰۸) که خود گامی مؤثر در پیشبرد اهداف تجار تبریز به شمار می‌رفت.

آنچه از مجموع اسناد و متن نامه نگاری‌های موجود میان فعالان عرصه اقتصادی تبریز (اعم از صاحبان صنایع، تجار و اصناف) با متصدیان امور بر می‌آید مبین آن است که نگاه بازاریان تبریز (در تعریف عام) نگاه روشنگرانه به مسائل اقتصادی و تجاری بوده است. این طیف به هنگام احساس خطر از سوی عوامل و عناصر تهدید کننده فعالیت‌های اقتصادی بازار و تجار تبریز که می‌توانست فعالیت عامه تجار کشور را نیز به مخاطره افکند، سکوت نکرده و به ابراز واکنش پرداخته، باتشریح شرایط موجود و با ارائه ادله لازم به اعتراض از عملکرد و برنامه‌های اقتصادی حکومتی می‌پرداختند. البته موضع‌گیری تجار موضعی خصمانه نبوده است. از فحوای راهکارها و پیشنهادات آنان به نظر می‌رسد انگیزه آنان ارائه

گونه‌ای مشاوره اقتصادی بوده باشد. در واقع این طیف تلاش می‌کردند با بهره از تجاری که حاصل فعالیت اقتصادی آنان در عرصه تجارت بود حکومت پهلوی اول را در دستیابی به سیاست‌های اقتصادی مطلوب‌تر یاری رسانند.

۳- مواضع بازار تبریز در برابر قانون انحصار تجارت خارجی

اگر چه تجار تصور می‌نمودند که فرا رسیدن دوره پهلوی آغاز تغییرات اقتصادی ایران در جهت مطلوب است اما چندی بعد تلاش این حکومت بر ایجاد سلطه اقتصادی بر فعالیت تجار، گروهی از این طیف را از دولت پهلوی اول ناراضی نمود. عامل مهمی که باعث ناراضی این دسته شد، اجرای «قانون انحصار تجارت خارجی» بود.

پس از جنگ جهانی اول، بحران‌های اقتصادی و کاهش ارزش پول موجبات دلسردی تجار ایرانی و کاهش حجم صادرات کالاهای ایرانی را فراهم نمود. به همین دلیل دولت به منظور جلوگیری از گسترش بازارهای سیاه ارز خارجی، پیشنهاد قانون انحصار تجارت خارجی را به صورت ماده واحده و سپس لایحه متمم آن قانون را به مجلس ارائه نمود. مقصود دولت از اجرای «قانون انحصار تجارت خارجی» دستیابی به اهداف ذیل بود:

- توازن واردات و صادرات،
- استقرار و تحکیم واحد پول طلا،
- حمایت از مصنوعات داخلی،
- تقویت طبقه مولد ثروت،
- جلوگیری از افراط و تفریط در مصرف،
- و فاصله گرفتن از بحران اقتصاد جهانی و جلوگیری از تأثیر آن در ایران (مجله افاق تجارت، ش ۱۷، ۱۳۰۹: ۱۱-۱۰).

در ۱۶ اسفند ۱۳۰۹ ش «سمعی» کفیل وزارت اقتصاد ملی دو لایحه راجع به تجارت خارجی ایران به قید دو فوریت به مجلس ارائه داد که در همان تاریخ به تصویب رسید. بدین ترتیب تجارت خارجی ایران در انحصار دولت قرار گرفت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هشتم، جلسه ۱۱: بی تا).

قانون متمم انحصار تجارت خارجی نیز در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ ش در ۱۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید (مجله افاق تجارت، ش ۱۷، ۱۳۰۹: ۱۵-۱۳).

البته اگر این انحصارات با دقت و تبعیض انجام می‌شد موجب ثبات اوضاع می‌گردید اما برخی از تجار با نزدیک شدن به مقامات از منافع صدور جوازهای وارداتی و انحصارات منتفع می‌شدند (سعیدی، ۱۳۸۴: ۲۷).

بدین ترتیب اگر چه قانون انحصار تجارت خارجی و در کنار آن تأسیس کارخانه‌هایی که با بودجه‌ی دولت اداره می‌شد موجب پیدایش تعداد معدودی از بازرگانان و صاحبان صنایع مرتبط با دربار شد اما در عین حال موجبات نارضایتی گسترده‌ی جامعه‌ی تجاری را نیز فراهم آورد. البته پیشتر از این کنسولگری‌های انگلیس بارها هشدار داده بودند که کنترل تجارت توسط دولت به زیان تجار خصوصی می‌باشد اما دولت همچنان به کار خود ادامه می‌داد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۸۸). قراین و شواهد مبین آن است که تجار تبریز نیز همسو با سایر همتایان خویش به تقابل با قانون فوق دست زده‌اند. چنانچه قانون انحصار روده که فعالیت بخش قابل توجهی از تجار این حوزه تجاری را در مخاطره می‌افکند با مخالفت آشکار آنان مواجه گردید.

مرقومه‌ای از تجار تبریز در این راستا بر جای ماند که زوایای مختلف علل مخالفت این گروه را با قانون فوق نمایان می‌سازد. تجار تبریز در این رقع که به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۱۱ ش به اداره کل تجارت نوشته شده است ضمن اعلام رضایتمندی خویش از آزاد بودن تجارت پوست، ابراز داشته‌اند که انحصار تجارت روده و ممنوعیت تجارت آن برای کلیه تجار، منافی با منافع آنان می‌باشد (کمام، ۹/۷۰/۱۵/۲/۵۴، ص ۳: ۱۳۱۲). تجار روده در تبریز به ارائه‌ی ادله‌ای پرداخته‌اند تا حکومت را از تصمیم خود در این زمینه بازگردانند. آنان در ابتدا به تشریح موقعیت و جایگاه تجارت پوست ایران بین سایر کشورهای اروپایی و آسیایی و آمریکا پرداخته و نوشته‌اند که چگونه در اثر مساعی تجار «در آتیه نزدیکی ممکن است مملکت ایران بین قطعات اروپا و آسیا و آمریکا نسبت به تجارت روده مرکزیت مخصوصی را احراز نماید چون که در ایران مزد عمه به مزد عمه آمریکا و اروپایی ده برابر از آن ارزانتر

تمام میشود» و این که با شرایط موجود «هیچ مؤسسه تجارتي خارجی نخواهد توانست با تجارت روده ایران رقابت نمایند» (همان).

تجار تبریز با واکاوی دلایل خویش تلاش می‌کردند نقش مؤسسات تجارت روده خارجی را در فراهم نمودن زمینه سقوط تجارت روده ایران و در دست گرفتن تجارت جهانی این محصول افشا نمایند: «خارجی‌ها با این عناوین می‌خواهند القای شبهه نموده بلکه تا بدین وسیله بتوانند منافع هنگفتی بدست آورند چنانچه چند سال قبل یک کمپانی بزرگ روده امریکا محض اینکه ورود روده را [ناخوانا] به خود نموده و اموال [ناخوانا] خود را بخوبی بفروشند بعنوان مختلفه مثلاً بعنوان رعایت اصول صحی و غیره با بازی کردن یک رول حیرت‌آوری القای شبهه نموده تا بالاخره بمقصود خود موفق و اکثر [ناخوانا] علاقمندان تجارت روده بی کلاه گذاشت» (همان). در ادامه تجار با اشاره به تأثیر رقابت در تجارت اذعان داشتند که محدود کردن تجارت روده و واگذاری آن به یک کمپانی و مؤسسه و انحصاری کردن آن بازتاب نامطلوبی بر تجارت این محصول خواهد داشت و با بررسی ایرادات وارد بر این امر مانند تعیین قیمت و... با اطمینان از ادله خویش پیشنهاد دادند که در صورت صلاحدید، مجلسی با طرفداران تجارت روده در مرکز تشکیل شود تا «مدلل و مبرهن گردد که انحصار تجارت روده در ایران صلاح نخواهد شد...» (همان).

موضع‌گیری قاطع تجار تبریز در قبال طرح انحصاری ساختن تجارت روده ناشی از اضطراب این طیف به دلیل از دست دادن جایگاه ویژه آنان در این عرصه بود که با گذشت سال‌ها و کسب تجارب حاصل شده بود. اکنون تصور می‌شد که با تصویب این قانون جایگاه و موقعیت آنان در برابر رقبای خارجی خدشه دار شود. مواضع اعتراض‌آمیز تجار تبریز نه فقط در عرصه تجارت روده که در زمینه‌های دیگر نیز مشهود بود. قانون دیگری که به اعتراض آنان منجر شد «قانون انحصار دخانیات» بود که در شهرهای متعددی از جمله تبریز بازتاب گسترده‌ای یافت. اتحادیه تجار تبریز طی مکاتبات خویش با مجلس به شدت نسبت به برقراری قانون فوق اعتراض نمودند: «انحصار دخانیات علاوه بر اینکه مخالف قوانین مذهبی است موافق حال زارعین و کسبه ایران نبوده خاصه توتون چپق ابداً قابل انحصار نیست بنا به اسلام و دلایل [،] استرداد لایحه خانمان برانداز [ناخوانا] مجلس شورای ملی

استرحام مینمائیم» (ساکما، ۳۳۳۴۹: ۳۶۳۶، ۱۳۰۶).

به هر شکل اعتراضات تجار به قانون انحصار تجارت نتوانست به تجدیدنظر حکومت در لغو آن بینجامد لذا دسته‌ای از تجار در مقابله با این قانون به روش‌های دیگری متمسک شدند. تا حدی که عملکرد دسته‌ای از آنان نشان از عدم تمکین در برابر قانون فوق دارد. در این زمینه می‌توان به نامه‌ای از سوی وزارت مالیه به مجلس اشاره کرد. در این نامه قید شده است اگرچه «از تاریخ اجرای قانون انحصار تجارت» [ورود مدقال] «مختص دولت بوده اما به دلیل فراوانی این کالا در بازارهای تبریز گمرک متوجه ورود قاچاق این کالا شده است. ظاهراً این کالا وارد شهرهای مختلفی چون ساوجبلاغ، بانه، سقز شده و از آن جا به داخل کشور حمل می‌شده است (کمام، ۱۴/۵۹/۳۴/۱/۱۶، ص ۳: ۱۳۱۰).

این امر در نهایت منجر به ایجاد تنش‌ها و اختلافاتی بین اولیای امور و تجار تبریز شده بود. چنان چه به زعم وزارت مالیه شاکیان انحصار مدقال - که آقایان «ساجبلاغی» و «مدقالچی» بودند - متهم به قاچاق این کالا شدند. در حالی که افراد مذکور طی مکاتبه با مجلس پیرامون تجارت مدقال این گونه آورده بودند که: مسیر ساوجبلاغ - تبریز محدوده کسب ماست و ما چند ماه قبل به صورت «عادی و علنی» در ساوجبلاغ مدقال خریده و به تبریز آورده‌ایم و در این «مدت هیچ تعرضی از سوی گمرک نگردیده» و به تازگی علی‌رغم آن که کالای مذکور را به سود «تومانی دوشاهی» فروخته‌ایم مورد سوء ظن واقع شده‌ایم (کمام، ۱۴/۵۹/۳۴/۱/۱۶، ص ۵: ۱۳۱۰).

۴- مواضع بازار تبریز در برابر قوانین مالیاتی

پرداخت مالیات از مقولاتی بوده که همواره در ارتباط بین حکومت‌ها و بازاریان می‌توانست موجبات اختلاف را فراهم آورد. خاصه در شرایط نامطلوب اقتصادی این مسأله حساسیت بیشتر یافته و مشکل آفرین می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان به شکایات تجار توتون و تنباکو در آستانه سلطنت پهلوی اول و در آخرین سال‌های حکومت قاجار اشاره کرد. قانون مالیات بر دخانیات سال‌ها پیش در تاریخ ۱۸ ذی القعدة سال ۱۳۳۳ ق از تصویب مجلس گذشته بود. بر طبق این قانون به ازای هر برگ توتون و تنباکو، مالیاتی معادل ۲۰

درصد کل ارزش آن اخذ می‌شد (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۹-۱۲۵). این قانون با موجی از مخالفت‌های تجار تبریز مواجه شد. تجار توتون و تنباکو طی عرایض خود و با توجیحات فراوان خواستار برداشته شدن مالیات از این محصول بودند (کمام، ۴/۷۲/۳۹/۱/۹، صص ۲۵ و ۴: ۱۳۰۰ش): «به اطلاع می‌رساند از زمانی که مالیات برای دخانیات مقرر شد روز بروز عرصه بر ما تنگ‌تر شده...» (کمام، ۴/۷۲/۳۹/۱/۹، صص ۱۲: ۱۳۳۹ق). جبهه‌گیری بازار در برابر قوانین مالیاتی در دوره پهلوی اول و پس از آن هم مشهود است. به نحوی که در زمانی که حکومت پهلوی اول به منظور تنظیم و تنسيق امور اقتصادی به تصویب قوانین مالیاتی بعضاً جدید مبادرت کرد، با اعتراضاتی از سوی تجار روبرو شد. همان طور که آمد مخالفت با قوانین مالیاتی تا اولین سال‌های حکومت پهلوی دوم نیز همچنان تداوم داشت. نمونه‌ای از این نارضایتی‌ها را در اعتراضات تجار تبریز به قانون مالیات بر درآمد می‌توان مشاهده کرد. اگر چه پایه‌های این قانون در دوره پهلوی اول گذاشته شده بود و تا سال ۱۳۲۳ بنا بر مقتضیات تغییرات و اصلاحاتی در آن صورت گرفته بود اما این قانون همچنان نتوانسته بود نظر مساعد بازار را به خود جلب کند.

قانون مالیات بر درآمد مصوبه ۱۲ و ۱۶ فروردین ۱۳۰۹ شمسی و سرآغاز تحول عمده‌ای در قوانین مالیاتی ایران به شمار می‌رفت. بر اساس این قانون برای نخستین بار از کلیه شرکت‌های انتفاعی، کارخانجات، بانک‌ها و مؤسسات صرافی، بازرگانان، اصناف، دلالان، وکلای دادگستری و پزشکان، حقوق بگیران دولتی و سایر درآمدها مالیات اخذ می‌شد (شاپوریان، ۱۳۵۰: ۱۹۶-۱۹۵). اما قانون مزبور که مبتنی به دریافت مبلغ مشخص مالیات به طور سالیانه و منظم از اصناف و تجار بود دارای نواقص و معایبی بود از جمله این که برابر ماده چهارم و پنجم آن اصناف و تجار طبقه‌بندی شده و برای هر یک از طبقات مذکور مالیات مقطوعی معین گشته بود حال آن که شاخص درجه و طبقه در قانون پیش بینی نگردیده و قاعدتاً به عهده خود مؤدیان بود و این موضوع خلاف منطق بود. از آن جایی که قانون مالیات بر درآمد ساختار نظام طبقاتی را در ایران احیاء می‌نمود، در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۱۲ ش قانون مالیات بر درآمد دیگری از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که قانون قبلی را ملغی می‌کرد (احمدی، ۱۳۵۰: ۱۳۲-۱۳۱).

در قانون مالیات بر درآمد ۱۳۱۲ ش که مشتمل بر ۳۲ ماده بود بر خلاف قانون ۱۳۰۹ ش میزان معاملات به عنوان مأخذ تشخیص و وصول مالیات تعیین شد (احمدی، ۱۳۵۰: ۱۳۱-۱۳۲). در مصوبه جدید بر خلاف قانون ۱۳۰۹ ش، اصناف و تجار از لحاظ مالیات در یک طبقه شغلی قرار می‌گرفتند و روش طبقاتی که در قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۰۹ ش استفاده شده بود از جهت حفظ تساوی طبقات در نظام اجتماعی حذف و لغو گردید و وجه تمایزی میان تجار و اصناف در نظر گرفته نشده بود (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۱۶۷-۱۶۴).

همان طور که آمد قانون مالیات بر درآمد همچنان تا دوره پهلوی دوم با مخالفت تجار روبرو بود. این مخالفت توسط اتاق تجارت شهر به نمایندگان مجلس اعلام شد. در نامه‌ای از اتاق تجارت به مجلس ضمن توضیحاتی مبنی بر تلاش صاحبان سرمایه در راه‌اندازی کارخانجات صنعتی متعدد در کشور علی‌رغم رقابت‌های ناسالم همتایان بیگانه، تلاش شد تصویب قانون مالیات بر درآمد ناشی از «تأثیرات و تبلیغات سوء پاره‌[ای] جراید و اشخاص که بسرمایه و مساعدت‌های غیر ایرانی امرار معاش می‌نمایند» جلوه داده شود. این افراد خواستار لغو قانون مذکور و وضع قانون عادلانه دیگری که متضمن منافع «زارع و مؤسسات صنعتی کشور» باشد، بودند (ساکما، ۱۱۳۲۹-۲۹۶: ۱۳۲۳).

در مجموع همان طور که انتظار می‌رفت قوانینی که به زعم تجار می‌توانست سود حاصل از فعالیت آنان را کاهش دهد مورد مخالفت آنان واقع می‌شد. شرایط نامطلوب اقتصادی کشور و بعضاً اجحافات مالیاتی دست اندرکاران اخذ مالیات و... می‌توانست موجبات چنین موضعی را فراهم آورد.

۵- مواضع بازار تبریز در برابر قوانین گمرکی

حقوق گمرکی مالیاتی است که دولت بر کالا هنگام عبور از مرز وضع می‌کند. دولت ایران تا قبل از سال ۱۳۱۷ ق گمرکات ایران را به اجاره به افراد مختلف می‌داد. در ذی القعدة ۱۳۱۷ ق اصول اجاره منسوخ و تعرفه گمرکی به موجب بند ۳ عهدنامه ترکمن‌چای (۱۲۴۳ ق) به ملیت تاجر و صاحب مال بستگی تام یافت به طوری که از اتباع ایرانی صدی سه و از اتباع خارجی صدی پنج حق گمرکی دریافت می‌شد. این عوارض نه تنها از واردات

بلکه از صادرات نیز اخذ می‌شد. بنابراین عایدات گمرک به یکی از مهم‌ترین منابع مالیاتی و درآمدی تبدیل می‌شد اما علی‌رغم این مسأله تمامی درآمد های حاصل از موازین گمرکی به دولت‌های روس و انگلستان به ازای بدهی‌های دولتی ایران پرداخت می‌گردید (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۴۱ - ۳۸).

اولین تعرفه مستقل گمرکی ایران که تقدیم مجلس شورای ملی گردید در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش به تصویب رسید. بر طبق این قانون دولتهایی که از قبل با ایران قرارداد گمرکی داشته‌اند نرخ حداقل تعرفه گمرکی و دولتهایی که فاقد قرارداد گمرکی بودند نرخ حداکثر تعرفه گمرکی کالاهای خود را می‌بایست بپردازند. این امر موجب شد بسیاری از کشورها برای حفظ تجارت با ایران و استفاده از تسهیلات گمرکی (پرداخت حداقلی تعرفه) اقدام به عقد قرارداد گمرکی با ایران نمایند و این یکی از عوامل پیشرفت تجارت در این دوره شد (صفوی، ۱۳۰۹: ۱۸۷).

موقعیت تجاری تبریز از جهت واقع شدن بر سر راه‌های تجاری و ارتباطی ترانزیت کالا و همجواری با کشورهای شوروی و ترکیه که مهم‌ترین طرف‌های تجاری ایران به‌شمار می‌رفتند، موجب آن شده بود تا تدوین و اجرای قوانین گمرکی بر روند تجارت در این شهر تأثیر بسزایی داشته باشد. در مقابل تصویب قوانین گمرکی که متمایل به تأمین منافع تجار در عرصه تجارت خارجی بود، افزایش تعرفه‌های گمرکی می‌توانست به عنوان یکی از عوامل تهدید کننده فعالیت‌های تجاری این منطقه، مورد انتقاد بازاریان قرار گیرد.

به‌عنوان نمونه در سال ۱۳۰۷ ش نامه‌ای از سوی هیئت منتخب «تجار و اصناف» تبریز به مجلس شورای ملی ارسال شد که دربردارنده خواسته‌ها و تأثیرات نامطلوب افزایش گمرکات بر فعالیت طیفی از تجار بود (کمام، ۱۳۰۷: ۷۶ ص ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰). در این مرقومه با اشاره به این که «توسعه تجارت و کثرت صادرات و ترویج متاع آن» در بازارهای بین‌المللی از عوامل توسعه و تعالی و ترقی کشور محسوب می‌شود، آمده است که «تجارت فرش اهم صادرات کالاهای ایرانی و منبع ثروت حقیقی ملت ایران است (کمام، ۱۳۰۷: ۷۷ ص ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰). در ادامه و پس از مقدمه چینی اعتراض‌آمیز اخذ گمرک

صدی بیست و پنج از فرش‌های «جوهری» را موجب ناراحتی عامه و «فلاکت دائمی» آنان و نابودی صنعت فرش بافی برشمرده است. تعرفه جدید به اندازه‌ای فعالیت تجار فرش تبریز را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد که طیف مذکور جهت مقابله منفی و به نشانه اعتراض و تعیین وضعیت خویش «از معاملات فرش و حمل آن دست کشیده و منتظر اخذ نتیجه مطلوبه» شدند (کمام، ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰ ص ۷۸: ۱۳۰۷).

موضع‌گیری تجار فرش تبریز و توجیهات آنان و بازنمایی زوایای تأثیرات نامطلوب افزایش گمرکات موجب عدول حکومت از مصوبات خویش شد. لذا با توجهات وزارت مالیه مقرر شد تعرفه جدیدی که مجلس تصویب کرده و از ۲۰ اردیبهشت سال ۱۳۰۷ ش و به مبلغ صدی ۱۲ درصد بود، اخذ گردد (کمام، ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰ ص ۸۶: ۱۳۰۷).

از سوی دیگر هر گونه افزایش گمرکات توسط دول خارجه که خود ناشی از قراردادهای تجاری و نوع ارتباط سیاسی و اقتصادی حکومت ایران با کشورهای مزبور بود می‌توانست منجر به موضع‌گیری و واکنش تجار تبریز گردد. از آن جمله می‌توان به افزایش گمرک توسط کشور فرانسه اشاره کرد. اقدام این کشور مبنی بر افزایش «مبلغی گزاف» از قالی‌های ایرانی موجب شد تا تجار فرش تبریز به حکومت مرکزی اعلام کنند که با وجود شرایط موجود امکان صدور فرش ایرانی به آن کشور وجود ندارد (کمام، ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰ ص ۷۹: ۱۳۰۷). همچنین پیرو عقد قرارداد تجاری بین ایران و آلمان تجار فرش تبریز به دولت مرکزی گوشزد نمودند: «چون پارسال دولت آلمان پس از عقد معاهده تجارتی با دولت ترکیه نظر براین که دولت ایران هم جزو دولت کامله الوداد است گمرک فرش ایران را از بیست و چهار مارک به هشت مارک [ناخوانا] داد در اینموقع هم لازم است توجهی مبذول نمایند در عقد قرارداد مبدا اشکالاتی فراهم و گمرک فرش ایران در آلمان افزوده شود.» (کمام، ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰ ص ۸۰: ۱۳۰۷).

در نمونه‌ای دیگر قطع ارتباط تجاری با شوروی «بعلت قدغن بودن عبور مال التجاره بروسیه» تجار خشکبار تبریز را به شدت در مضیقه قرار داده بود. «هیئت تجار روسیه چی» با اشاره به بلا تکلیفی و سرگردانی زارعین و تاجران خواستار توجه اولیای امور جهت رفع

نگرانی بوجود آمده شدند (ساکما، ۱۱۸-۶۲۳۱۶، صص ۳ و ۲: ۱۳۰۵).

از مجموع مکاتبات و شکایات تجار چین بر می‌آید که بخش عمده‌ای از تذکرات قانونی تجار در جهت اصلاح قوانین تجاری و یا اجرای صحیح مصوبات اقتصادی بوده و همگامی و گاه عقب‌نشینی دولت و حکومت نشان از تلاش دو سویه حکومت و بازار در جهت پیشرفت اقتصادی و حل معضلات موجود در سطح کشور در سال‌های مورد بحث دارد.

در چنین شرایطی و در جریان کشاکش‌های بازار و حکومت جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن فعالیت بازار را به مسیری دیگر سوق داد. با آغاز جنگ جهانی دوم و سقوط حاکمیت پهلوی اول بازاریان دچار بحران‌هایی جدید شدند که به شدت فعالیت آنان را تحت الشعاع خود قرار داد به نحوی که تجار تبریز را به اعتراض از اوضاع حاکم بر آذربایجان کشاند. افراد مذکور طی مکاتبه خود با مجلس، به از هم گسیختگی امور و بازنمایی اوضاع آشفته تجارت و اقتصاد اشاره کردند. اوضاعی: «که توضیح و تصور آن امکان‌پذیر نیست... تاجری که ده میلیون دارائی داشته امروز برای خرج روزانه معطل می‌باشد» (کمام، ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰، ص ۷۶: ۱۳۲۰). در این میانه تعدیات نیروهای شوروی نسبت به تجار تبریز که ریشه در گذشته داشت نیز از سر گرفته شد. مأمورین این کشور اموال تجار که «در راه آهن جلفا و کشتی رانی رضائیه و یا در ایستگاهها برای حمل حاضر شده بود» را به بهانه این که «مال دردست ادارات دولتی است ضبط و بروسیه حمل» می‌نمودند «و مقدار مال‌التجاره که بازرگانان و نمایندگان حمل و نقل آلمانی تحویل و یا درصدد تحویل بودند و هنوز موفق به اخذ وجه آنها نشده بودند بعنوان اینکه به آلمان صادرشدنی بوده بروسیه بردند... مقدار عمده پشم مال بازرگانان و شرکت‌ها از شهرستان خوی بدون جهت از انبارهای بازرگانان بیرون کرده و بروسیه حمل نموده... مهاجرین روسی هم از هرگونه دستبرد باموال اهالی بیچاره مضایقه نکرده خودشان تنها با معیت بعضی از سربازان شوروی بر خلاف میل فرماندهان ارتش سرخ بعنوان تفتیش اسلحه و سرباز بخانه‌های اکثر مردم وارد تمام یا قسمتی از اناثیه پرقیمت اهالی را بغارت برده... قسمت عمده دکاکین اصناف را بواسطه نبودن پاسبان شب‌ها دزدان باز کرده اشیاءشان را به یغما بردند مهم‌تر از صدمات معروض مالهای صادراتی است که مبالغ هنگفتی در بنادر و یا در انبارهای بازرگان مانده راه

صدر مسدود...» (کمام، ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰، صص ۷۵-۷۳: ۱۳۳۰) «کارخانجات بواسطه فروش نرفتن محصول آنها و عدم امنیت و قطع امید برای تهیه مواد اولیه که تا حال از اروپا وارد می‌کردند بحال فلج افتاده... این‌ها که عرض شد شمه‌ای از بدبختی‌های ناگوار این سامان بوده و توجه عاجلی برای ترمیم و جبران این همه خسارات وارده را داریم» (کمام، ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰، صص ۷۲-۷۱: ۱۳۳۰).

بدین ترتیب تجار و بازاریان تبریز در پی نیاز همیشگی به برقراری امنیت توسط حکومت، نا امید از حمایت و توجه اولیای مرکز به وضعیت آنان، در استیصال تاریخی شاهد به فنا رفتن مساعی خویش بودند.

نتیجه

حکومت پهلوی اول زمانی شکل گرفت که ایران از نظر اقتصادی و تجاری در شرایطی نابسامان به سر می‌برد. لذا این حکومت به منظور رهایی از شرایط موجود به انجام اصلاحاتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و تجاری مبادرت نمود. اصلاحات مدنظر حکومت در قالب قوانین و مصوبه‌های متعدد، غالباً ضمن تأمین منافع اقتصادی حکومت، به فعالیت‌های اقتصادی تجار و اصناف نیز انتظام می‌بخشید. با این وجود تازگی دسته‌ای از این قوانین از سویی و گاه پسامدهای نامطلوب اجرای برخی قوانین از سوی دیگر، طیف بازاری را در رویارویی با قوانین مذکور قرار می‌داد. سیاست‌های اقتصادی این دوره که در بسیاری موارد تجربه‌ای نو برای بازار محسوب می‌شد، بسته به این که تا چه اندازه با منافع تجاری و شغلی آنان همسو یا در تضاد بوده باشد مورد پذیرش و یا انتقاد بازار تبریز نیز واقع می‌شد. به نظر می‌رسد برخی از قوانین اقتصادی این دوره به شدت با مخالفت بازار تبریز مواجه شده باشد. در این زمینه می‌توان به قانون انحصار تجارت روده و توتون و تنباکو اشاره کرد که بر مبنای تجارب بازاریان می‌توانست به شدت فعالیت آنان را خدشه دار سازد. قوانین مالیاتی جدید نیز از دیگر قوانینی بود که نمی‌توانست مورد استقبال تجار و اصناف قرار گیرد. جدای از قوانینی که فعالیت تجار و اصناف را در حوزه داخلی شکل می‌بخشید و بر نوع روابط بازار و حکومت تأثیر گذار بود، برخی از قوانین می‌توانست فعالیت این طیف در حوزه خارجی را

تحت‌الشعاع خود قرار دهد. قوانین ناظر بر گمرکات و تعرفه‌های آن از جمله این قوانین محسوب می‌شد. در حالی که اخذ گمرک عادلانه مورد قبول و پذیرش تجار بود هر گونه اجحاف در این راستا و افزایش بی‌رویه تعرفه‌های گمرکی می‌توانست به اعتراض و مخالفت آنان منجر شده و آنان را در تقابل با قوانین مذکور قرار دهد. جدای از این، انعقاد قراردادهای تجاری بین سران حکومت و دول خارجه تا حدی که متضمن تأمین منافع تجار و برقراری روابط عادلانه تجاری می‌شد موجب رضایت آنان بوده و در غیر این صورت از سوی بازار، بازتاب و واکنشی دیگر می‌یافت. در مجموع به نظر می‌رسد در غالب موارد بازار تبریز با درکی واقع بینانه تلاش می‌کرده است با نمایان سازی زوایا و وجوه و تأثیرات مصوبات اقتصادی، حکومت پهلوی را در این عرصه مشاوره دهد. کنش و واکنش‌های بازار تبریز در مواجهه با حکومت پهلوی اول در شرایطی صورت می‌گرفت که در این دوره امنیت بالنسبه قابل توجهی در مقایسه با دوره قاجار بر فعالیت اقتصادی بازار سایه گسترانده بود. امنیت حاکم که خود تا حدودی منجر به ثبات فعالیت‌های تجاری شده بود به‌زودی با وقوع جنگ جهانی دوم و ساقط شدن رژیم پهلوی اول بازار تبریز را در بحران ناشی از عدم امنیت قرار داد و ثبات حاصله را از گستره آن ربود.

منابع و مأخذ

الف) اسناد

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)

۴- ۱۳۰۰ ق: ۴/۷۲/۳۹/۱/۹

۲۵- ۱۳۰۰ ق: ۴/۷۲/۳۹/۱/۹

۱۲- ۱۳۰۰ ق: ۴/۷۲/۳۹/۱/۹

۲- ۱۳۰۵: ۶/۲۳/۱۶/۱/۳۵

۱۴- ۱۳۰۵: ۶/۲۳/۱۶/۱/۳۵

۷- ۱۳۰۵: ۶/۲۳/۱۶/۱/۳۵

۸- ۱۳۰۵: ۶/۲۳/۱۶/۱/۳۵

۴۲- ۱۳۰۶: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۴۹

۷۶- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۷۷- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۷۸- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۸۶- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۷۹- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۸۰- ۱۳۰۷: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰

۳۴- ۱۳۰۸: ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶

۳۶- ۱۳۰۸: ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶

۳۸- ۱۳۰۸: ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۲۶۶



۳- ۱۳۱۰: ۱۴/۵۹/۳۴/۱/۱۶-

۵- ۱۳۱۰: ۱۴/۵۹/۳۴/۱/۱۶-

۷۱- ۱۳۲۰: ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰-

۷۲- ۱۳۲۰: ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰-

۷۳- ۱۳۲۰: ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰-

۷۵- ۱۳۲۰: ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰-

۷۶- ۱۳۲۰: ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۵۰-

۱۳۱۲: ۹/۷۰/۱۵/۲/۵۴/۳

۱۳۰۸: ۷/۱۰۸/۱۵/۱/۶

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۱۳۰۶: ۳۳۳۴۹۳۶۳۶

۱۳۲۳: ۲۹۶-۱۱۳۲۹

۱۳۰۵: ۶۲۳۱۶-۱۱۸-۲

۱۳۰۵: ۶۲۳۱۶-۱۱۸-۳

ب) کتاب‌ها و نشریات

- احمدی، محمد حسین (۱۳۵۰)، *تاریخ تطور سیستم مالیاتی در دوران شاهنشاهی ایران*، تهران، میهن.
- احمدزاده، میرحواس (۱۳۹۰)، *روند تحول نقش کارکرد بازرگانان ایران از گروه بندی به طبقه بندی اجتماعی*، مجموعه مقالات ریشه‌های رشد شاخه‌های شکوفایی، تهران، اندیکا.
- آل یاسین، کاظم (۱۳۷۱)، *تاریخ مالیات از آغاز تا امروز*، بی‌جا، مشعل.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴)، *تجار، مشروطیت، دولت مدرن*، تهران، نشر تاریخ ایران.

- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۲)، *از مجلس وکلای تجار تا اتاق تجارت ایران*، تهران، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رهبری، هادی (۱۳۸۷)، *تجار و دولت در عصر قاجار (از همزیستی تا رویارویی)*، تهران، کویر.
- سعیدی، علی اصغر و فریدون شیرین کام (۱۳۸۴)، *موقعیت تجار و صاحبان صنایع در دوره پهلوی*، تهران، گام نو.
- شاپوریان، عنایت الله (۱۳۵۰)، *بیست و پنج سده مالیات*. بی‌جا، بی‌نا.
- جباری، مینا (۱۳۷۱)، *همیشه بازار*، تهران، آگاه.
- جمالزاده، محمد علی (۱۳۶۲)، *گنج‌نمایگان*، تهران، کاوه.
- صفوی، رحیم زاده (۱۳۰۹)، *ایران اقتصادی*، ج ۲، تهران، اتحادیه.
- فلور، ویلهلم (۱۳۶۵)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران، توس.
- «*مجله اتاق تجارت*»، سال دوم، ش ۱۷، ۱۳۰۹.
- «*مجله اتاق تجارت*»، سال پنجم، ش ۷۵، ۱۳۱۲.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۰)، *اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
- *مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی*، (بی‌تا)، دوره هشتم تقنینه، سال ۱۳۰۹، جلسه یازدهم، تهران، مجلس.